



## تبلور ویژگی‌های حکومت عدالت‌محور علوی در شعر معاصر عربی

مصطفی شیروی خوزانی<sup>۱</sup>  
محمودرضا توکلی محمدی<sup>۲\*</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۲۷

### چکیده

عدالت علوی و شیوهی حکومت امام علی(ع) که بر پایه مساوات و رعایت عدالت در تمامی جنبه‌های حکومت بر مردم بنیان نهاده شده را می‌توان همان گمشده‌ی نسل بشری در بحث حکومت بر مردم دانست. هر چند بررسی این موضوع در چارچوب علوم سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرد، ولی بازتاب این امر در ادبیات، برعهده‌ی اندیشمندان حوزه‌ی ادبیات خواهد بود. بنابراین در این مقاله تلاش شده تا با واکاوی دیوان برخی از شاعران معاصر عرب اعم از شیعه و سنی و مسیحی، به شیوه‌ی حکومت امام علی(ع) بر مردم و بازتاب مسائل مربوط به آن پرداخته و با استناد به اشعار، برخی از جنبه‌های عدالت‌مداری ایشان و بازتاب آن در شعر و ادب معاصر عربی مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت به حقانیت ایشان نیز اشاره شود. شیوه‌ی کار در پژوهش حاضر به صورت کتابخانه‌ای و توصیف و تحلیل داده‌های به دست آمده استوار است. از جمله نتایج به دست آمده این پژوهش عبارتند از: رویکرد هدایت‌محور حضرت در شیوه‌ی حکومتی ایشان بر مردم، اجرای عدالت در جامعه، حق‌مدار بودن در هر شرایط، دستگیری از محرومان و یتیمان.

**کلید واژه‌ها:** حکومت دینی، عدل علوی، نهج‌البلاغه، شعر معاصر عرب

۱. استادیار گروه عربی دانشگاه قم

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه قم

\* نویسنده مسئول

## مقدمه

برای انجام کارهای مشابه دیگر در این حیطه و در موضوعاتی که جای خالی آنها کماکان احساس می‌گردد.

شیوه‌ی کار در پژوهش حاضر نیز به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی بوده و بعد از جمع‌آوری داده‌های لازم از دل دیوان‌های شاعران معاصر عرب، به دست‌بندی و بررسی و توضیح و تحلیل آنها در مقاله اتمام شده و نتیجه نیز به صورت تحقیق حاضر ارائه شده است. لازم به ذکر است که در نگارش مطالب مربوط به سخنان امام علی(ع) در این مقاله، به نهج البلاغه صبحی صالح مراجعه شده است.

## تبلور ویژگی‌های حکومت عدل علوی در شعر معاصر عربی

در این قسمت تلاش نگارندگان بر آن بوده تا به برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت عدالت‌محور مولای متقیان اشاره نموده و بعد از توضیح آن، به بازتاب هر یک از ویژگی‌ها در اشعار شاعران معاصر عرب، اعم از شیعه و سنی و غیره با ذکر نمونه‌ی اشعار آنها اشاره شود.

## ۱. عدالت‌محوری در حکومت

یکی از مؤلفه‌های حکومت الهی بر مردم، عدالت‌محوری و رعایت حق مظلومان و نیازمندان و گرفتن حق آنان از ظالمان و زورگویان است «در واقع تحقق عدالت سنگ پایه مشروعیت حاکمیت و مبنای توجیه ضرورت وجود دولت تلقی می‌شود» (پورعزت، ۱۳۸۰: ۸۴). این امر در سیره و روش امام علی(ع) مشهود بوده و نیاز به توضیح و تفسیر ندارد. خداوند بلند مرتبه در قرآن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ... (نساء/ ۱۳۵) عدالت واژه مقدسی است که خواسته آزادمردان و محرومان جهان است. عدالت، امری است که خداوند به اجرای آن فرمان می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نمل/ ۹۰). خداوند به عدل و احسان امر می‌نماید. عدالت، برترین خصلت انسانی بشر و به معنای رساندن حق به حق‌دار است؛ اما دستیابی بدان سخت و طاقت‌فرسا می‌نماید، چرا که بسیار بوده و هستند افرادی که همواره برای اجرای آن جانفشانی نموده و زجرها کشیده‌اند؛ اما هنگام تکیه بر اریکه قدرت، دیگر شعری در وصف آن نسروده‌اند؟! لیکن این امام علی(ع) است که در این میدان نیز گوی سبقت را از دیگران ربوده و در پیچه‌ی عملی خوبی در برابر آن گشوده که مورد تأیید انسان‌های دادگر بوده و هست «امام علی(ع) قبل از اینکه یک

امام علی(ع) جدای از تقدس دینی و معنوی که برای تمامی مسلمانان - اعم از شیعه و سنی - به عنوان رهبری مذهبی برخوردار است، دارای شخصیتی بی نظیر است که برای دوست و دشمن قابل احترام بوده و سخنان به جا مانده از بزرگان مذاهب مختلف، خود گواه این مدعا است. شخصیت علمی، ادبی، سیاسی و ... حضرت، افراد مختلفی را به فراخور حوزه‌ی مطالعاتی ایشان به امام(ع) علاقه‌مند ساخته و همین امر باعث شده تا در مورد ابعاد مختلف شخصیتی و علم ایشان کتاب‌های فراوانی به رشته‌ی تحریر در آید. «امام علی(ع) بعد از رسول اکرم(ص)، بالاترین شخصیتی است که تاریخ بشریت به چشم خود دیده است» (الشاکری، ۱۴۱۸: ۷).

پژوهش پیش رو به بررسی بازتاب حکومت عدالت‌محور علوی در شعر معاصر عربی پرداخته و به این ترتیب از یک طرف با معرفی شیوه‌ی حکومتی امام علی(ع) بر جامعه؛ برخی شاخصه‌های مهم سلامت نظام سیاسی - اداری حاکم بر جامعه را در سیره علوی مشخص نموده و از طرف دیگر بازتاب این شاخصه‌ها را در ادب عربی نمایان ساخته و روشن می‌نماید که عدل و عدالت علوی را همه مردم از شیعه و سنی و مسلمان و مسیحی ... پذیرفته و آن را می‌ستایند. با توجه به آنچه گذشت سؤال اصلی تحقیق بدین صورت مطرح می‌شود: آیا عدالت‌محوری و ویژگی‌های حکومت عدل علوی در شعر معاصر عربی بازتاب و نمودی داشته است؟ در مورد سؤال‌های فرعی نیز سعی بر آن است که به سؤال‌های زیر پاسخ داده شود:

آیا این امر فقط در شعر شاعران شیعه مذهب مشاهده می‌شود؟ آیا شاعران اهل تسنن نیز در این زمینه دیدگاهی مشابه شاعران شیعه به عدل محوری امام علی(ع) دارند؟ مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در این زمینه در شعر شاعران معاصر عرب نمود داشته کدام است؟

لازم به ذکر است که در زمینه‌ی عدالت‌محوری امام علی(ع) و حق مدار بودن ایشان کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی نگاشته شده که بدون اغراق قابل شمارش نیست، نیم نگاهی به کتابخانه‌ها و جستجویی کوتاه در تارنماهای اطلاع رسانی به راحتی این ادعا را تأیید می‌نماید، نگارندگان مقاله‌ی حاضر نیز در زمینه‌ی عدل محوری امام(ع) تاکنون چندین مقاله نگاشته‌اند. ولی علی‌رغم بررسی‌های انجام شده، نگارندگان به بحثی که به صورت مستقل و علمی به بررسی بازتاب حکومت عدالت‌محور علوی در شعر معاصر عربی پرداخته باشد برخوردند و همین امر انگیزه‌ای شد برای نگاشتن پژوهش پیش رو که امید است گشایش دری باشد

حاکم باشد، یک پیشوای دینی و امام معصوم است که در مکتب وحی پرورش یافته است. حکومت ایشان، حکومتی دینی و منطبق بر اهداف و آرمان‌های الهی بشر است» (رهنما، ۱۳۸۷: ۳).

این ویژگی حضرت علی(ع)، در اشعار عربی معاصر بازتابی بس گسترده دارد که شاعران به مناسبت‌های مختلف درباره‌ی آن سروده‌اند. «محمد سعید الخنیزی»<sup>۲</sup> شاعری است که علی(ع) را صدای عدالت دین خدا و راز بقای بشریت می‌داند که بین برده و سرور امتیازی قائل نمی‌شود و پی در پی به آنان فیض می‌بخشد:

أنت صوت العدالة الحق للدين

و سر البقاء للإنسان

لم تفرق ما بين حُرٍّ و عبدٍ

في عطاء يفيض بالعقبان

(الخنیزی، ۱۹۹۱: ۳۵)

عبدالمسیح انطاکی، شاعر معاصر مسیحی نیز در مورد فضل و برتری امام علی(ع) در این زمینه این‌گونه می‌سراید: فضایل امام علی(ع) هرچند مانند شهابی نورانی است و هر انسان خردمندی آن را درمی‌یابد ولی چون ستارگان آسمان بی‌شمار است و کسی را یارای شمردن آن نیست.

فضایل المرتضى كالشهب نيرة

وكل ذي بصر في الناس رايتها

ما أن تعد لبحصيا الحسب وهل

تحصى النجوم وتستقصى دراريتها

(انطاکی، بی‌تا: ۵۱۰)

یکی از شاعرانی که قصیده‌ی کاملی در توصیف عدالت علی(ع) سروده‌است، «عبدالمعظم الفرطوسی»<sup>۳</sup> است که در بخشی از سروده‌ی خود، حضرت را ترازوی عدالتی می‌داند که هیچ یک از کفه‌های آن کاستی ندارد. و چون همتای حق‌است، زبانش عادلانه و بر حق داوری می‌کند و در دادگری بین نیرومند و ضعیف و در ادای سهم بین برده و سرور فرقی نمی‌گذارد. خویشاوندانش را بر دیگران ترجیح نمی‌دهد و نمونه‌ی والای عدالت و دادگری خلفا محسوب می‌شود:

كان للمسلمين ميزان عدل

ليس في كفتيه أي التواء

و لساناً للحق يحكم عدلاً

و علىُّ والحق صنوا إخاء

الضعيفُ الدليلُ بين يديه

كالقوى العزيز عند القضاء

لم يُفرق ما بين حُرٍّ و عبدٍ

عند دفع السهام للخلفاء

لم يُفضل على الأبا عبدٍ قريباً

و هم في الحقوق كالأقرباء

و مثلاً من عدله هو أسمى

مثلاً في عدالة الخلفاء

(الفرطوسی، ۱۹۷۷، ج ۲: ۱۰ و ۱۱)

امام علی(ع) اجرای عدالت در نظام اجتماعی و سیاسی را ابتدا و در مرحله‌ی نخست از خود و سپس از هسته‌ی مرکزی حکومت و یاران نزدیکش شروع نمود و این مهم‌ترین وجه تمایز ایشان از دیگر اندیشمندان سیاسی است. امام علی(ع) در نامه‌ی خود به مالک اشتر این‌گونه سفارش می‌کند:

«و أنصف الناس من نفسك و من خاصة أهلِكَ و من لك فيه هوى من رعيتك فإنك إلا تفعل تظلم و من ظلم عبداً الله كان الله خصمه ذون عباده» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳: ۴۲۸) و

درباره‌ی خواص خویشاوندان و از افراد رعیت، هرکس را که دوستش می‌داری، انصاف را رعایت نمای. که اگر چنین نکنی، ستم کرده‌ای و هر که بر بندگان خدا ستم کند، افزون بر بندگان، خدا نیز خصم او بود.

شاعر دیگری به نام «محمد صالح بحر العلوم»<sup>۴</sup> نیز امام علی(ع) را مخاطب قرار داده و می‌گوید: عدالت یکی از اصول ناگسستنی فطرت توست. با نان و نمک زیستی و جز نیکی چیزی نیندوختی. بافرزندان خلق همچون فرزندان خود رفتار نمودی و افراد دور و نزدیک در برابرت یکسان بودند:

كنت أنت الإنسان تفقه أن العبد

ل أصل الأصول من ملكاتك

عشت عيش السواد بالخبز والملح

سح ولم تدخر سيوى حسناتك

مثل كل البنين أبناؤك الطهـ

س و كل البنات مثل بناتك

لا امتياز لأقربين من النا

س على الأبعدين، في نظراتك

(بحر العلوم، ۱۹۶۸: ۱۹۱)

«عبدالحمید الصغیر»<sup>۵</sup> شاعر عراقی دیگری است که علی(ع) را زینت بخش امامت و الهام‌بخش عدالت و تحکیم‌بخش برابری و مساوات دانسته که چون همه را در دین خدا برابر دید، بین عبد و

مولی فرقی قائل نشد و یکسان با آنان رفتار نمود: (الخاقانی، ۱۴۰۸، ج ۵: ۳۵۴)

إِمَامٌ وَقَدْ زَانَ الْإِمَامَةَ شَخْصُهُ  
وَجَلَبَتْهَا ثَوْبًا قَشِيْبًا مُجَسَّدًا  
وَقَدْ جَاءَ فِي شَرَعِ الْعَدَالَةِ سَالِكًا  
بِأَمْتِهِ النَّهْجِ السَّوِيِّ الْمُعْبَدًا  
رَأَى أَنَّ دِينَ اللَّهِ شَرَعٌ عَلَى الْوَرَى  
لِذَلِكَ سَاوَى النَّاسِ عَبْدًا وَسَيِّدًا

برخی از شاعران، از فرهیختگان و اصلاح‌طلبان جامعه می‌خواهند که برای گسترش عدالت، راه و رسم امام علی (ع) را در پیش گیرند تا به مطلوب خود دست یابند.

«محمد صادق القاموسی»<sup>۶</sup> نویسنده و شاعر عراقی در این زمینه می‌گوید: ای پدر نامدار عدالت! شرایط امروزین مصلحان همچون دیروزشان سخت و دشوار است و شامگاه ستم‌دیدگان تیره و تار! تنها مصلح امینی که در مسیر تو حرکت کند قادر به گسترش عدالت در جامعه خواهد بود. وگرنه نیرو و ساز و برگ نظامی هر چند همه‌جا را در بر گیرد توان اصلاح جامعه را نخواهد داشت:

أَبَا الْعَدْلِ يَوْمَ الْمُصْلِحِينَ كَأَمْسِهِمْ  
عَصِيبٌ وَ لَيْلُ الْمُسْتَضَامِينَ عَاكِرٌ  
إِذَا لَمْ يَسِرْ فِي النَّاسِ سِيرَكُ مُصْلِحٍ  
وَ إِنْ حَاطَتْ السَّتُّ الْجِهَاتِ الْعَسَاكِرُ  
أَمِينٌ عَلَى نَشْرِ الْعَدَالَةِ قَادِرٌ  
فَلَا يُصْلِحُ الدُّنْيَا عَتَادٌ وَ قُوَّةٌ

(الخاقانی، ۱۴۰۸، ج ۹: ۲۴۰)

«عدنان العوامی»<sup>۷</sup> نیز گوید: راه و روش علی (ع) گسترش عدالت است و اصولاً بلندپایگان و بزرگان در برپایی عدالت سزاوارترند. شما نیز راه و رسم او برگزینید؛ چرا که جز از طریق حکمت‌آمیز او بهره‌ای نخواهید جست.

هَذَا عَلِيُّ وَالْعَدَالَةُ نَهْجُهُ  
وَ ذُووَالْجَلَالَةِ بِالْعَدَالَةِ الْبَلِيغُ  
فَاقْفُوا خُطَاهُ عَلَى الطَّرِيقِ فَإِنَّهُ  
عَنْ غَيْرِ حِكْمَتِهِ بِهِ لَا يَنْطِقُ

(الشاکری، ۱۴۱۸، ج ۵: ۳۰۷)

در پایان این بخش به ابیاتی از یک شاعر اهل سنت به نام «عبدالحسین الأزری»<sup>۸</sup> اشاره می‌کنیم که در این باره سروده است: خدا می‌داند که تو داور عدالت‌پیشه‌ای هستی که افراط و

تفریط در کارت نیست. خلیفه دوم نیز اقرار کرد که تو بهترین داور و دادگری. از وقتی که از جهان رخت بر بستی، مسلمانان عدالت تو را از کف داده‌اند و ناتوان، مأیوس و ناامیدند. تو در اسلام قربانی عدالت گشتی؛ چرا که عدالت‌پیشگان همه شهیدند:

عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكَ الْحَكْمُ الْعَدْلُ  
لُ فَلَاشِدَّةٌ وَلَا إِغْضَاءُ  
وَ أَقْرَ الْفَارُوقُ أَنَّكَ أَقْضَى

حَاكِمٍ مُوَدَّعٍ إِلَيْهِ الْقَضَاءُ  
فَقَدْ الْمُسْلِمُونَ عَدْلَكَ لَمَّا

غَبَّتْ عَنْهُمْ وَاسْتَيْأَسَ الضَّعْفَاءُ  
لَسْتُ إِلَّا ضَحِيَّةَ الْعَدْلِ فِي الْإِسْلَامِ

سَلَامٍ وَالْعَدْلُ أَهْلُهُ الشُّهَدَاءُ  
تِلْكَ كَانَتْ شَهَادَةً أَعْقَبَتْهَا

فِي فَمِ الدَّهْرِ نُدْبَةً وَرِثَاءَ

(الأزری، بی‌تا: ۳۱۸ و ۳۱۹)

## ۲. حق‌مدار بودن علی (ع) و حمایت ایشان از حق

یکی از بارزترین نشانه‌های سلامت نظام اداری به‌ویژه در جوامع مسلمان، حق‌مداری حاکمان و دولت‌مردان و حمایت بی‌چون و چرای آنها از حق و حقیقت است، هرچند این حمایت منجر به وارد شدن صدماتی حتی به نزدیک‌ترین افراد در خانواده خود آنها گردد. علی (ع) حق‌مدار بود. حق با علی بود و علی با حق. «علیٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ» (البغدادی، ۱۸۳۱، ج ۱۴، حدیث ۷۶۴۳:

۳۲۱) و خود فرمود که حکومت را برای اقامه حق پذیرفته است (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۳: ۷۶) و در نامه‌ی خود به مالک اشتر نیز می‌نویسد: «ولیکن أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَأَعْمُهَا فِي الْعَدْلِ وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ» (همان، نامه ۵۳: ۴۲۹).

«حق در اندیشه‌ی امام علی (ع) از جایگاه مهمی برخوردار است و آن حضرت از ابعاد و زوایای مختلف و در حوزه‌های گوناگون، این مفهوم را از ابعاد نظری و عملی مورد توجه قرار داده‌اند» (علیخانی، ۱۳۸۸: ۱۴۲). اعتقاد به همراه بودن عدالت با حق امری فطری است که در نهاد تمامی انسان‌ها وجود دارد، همچنان‌که راز در این باره می‌گوید: «ممکن نیست عدالتی بدون حقیقت وجود داشته باشد» (راز، ۱۹۹۰: ۱۵۳). در این باب سخن فراوان است. اما آنچه در اینجا مد نظر است، آگاهی از نحوه‌ی نگرش شاعران عرب زبان معاصر به این ویژگی حضرت می‌باشد که در مجموع می‌توان اشعار آنها را به دو بخش تقسیم نمود: یک

مَنْ صَعِدَ الْمَنبَرَ أَوْصَاهُمْ بِمَنْ  
 دِينَ الْهُدَى وَ هُوَ صَبِيٌّ اَنْتَحَلَ  
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ فَأَنْتَى نَاصِبٌ  
 فَيَكُمُ إِمَامًا وَ هُوَ أَسْمَاكُمْ مَحَلٌ  
 هَذَا عَلِيٌّ وَهُوَ كَالشَّمْسِ لَكُمْ  
 وَالْحَقُّ مَعَهُ دَائِرٌ أَنَّى اَنْتَقَلَ  
 هَذَا إِمَامٌ فَيَكُمُ وَالْأَمْرُ مِنْ  
 بَارِي الْوَرَى وَ مَنْ أَبِي فَمَا امْتَثَلْ

(القرملى: ۳۱۶)

### ب) اشعار سروده شده درباره‌ی حق طلبی و حق‌مداری علی(ع):

تعداد زیادی از شاعران معاصر سخن از حق‌مداری علی(ع) به  
 میان آورده‌اند و درباره‌ی آن شعر سروده‌اند تا جایی که برخی از  
 آنان، حق را جزء جدایی‌ناپذیر حضرت دانسته‌اند. یکی از آنان  
 «بولس سلامة»<sup>۱۲</sup> است که سروده است: حق در سرشت و خوی  
 علی(ع) است و این دو، دو همزاد جدایی‌ناپذیر به حساب می‌آیند:

لِحُمَةِ التَّوَامِينِ دُونَ اَنْفِصَالِ

(سلامة، ۱۹۸۶: ۱۴۹)

«حسین الجامع» شاعر معاصر عرب و متولد قطیف در  
 عربستان سعودی، دیگر ادیبی است که همین مضمون را در قالبی  
 متفاوت آورده و سروده است:

وَالْحَقُّ كَيْبَانٌ شَامِخٌ

قَدْ تَجَلَّى فِيكَ بَدْأً وَ خِتَامًا

(الجامع، بی‌تا: ۲۵)

«عبود احمد النجفی» شاعر معاصر عراقی نیز علی(ع) را راه  
 جاودان حقیقت بر شمرده و گفته است:

عَلِيٌّ فِي تَجَلِّيهِ اِبْتَدَاءٌ

وَ نَهْجٌ لِلْحَقِيقَةِ سَرْمَدِيٌّ

(الشاکری، ۱۴۱۸ق: ۳۵۴)

«محمد علی الدجیلی» علی(ع) را مناره‌ی حق دانسته که با  
 هیبت و شکوه سر برافراشته و مانند ماه در سرزمین مکه پدیدار  
 گشته و ظلمت و تاریکی را به خفا رانده است:

فَعَلَى مَنَارٍ حَقٌّ تَجَلَّى

ذُو سَنِيٍّ وَ هَيْبَةٍ وَ اَنْتِشَاءُ

قَدْ تَجَلَّى فِي بَطْنِ مَكَّةَ بَدْرًا

فَتَوَارَى الظَّلَامُ خَلْفَ الضِّيَاءِ

بخش، اشعاری است که بازگو کننده‌ی سخنان پیامبر اکرم(ص)  
 درباره‌ی رابطه‌ی حق و علی(ع) است که حضرت را پرچمدار حق  
 و حقیقت بر شمرده‌اند و بخش دیگر، اشعاری است که درباره‌ی  
 حق‌طلبی و حق‌مداری امام علی(ع) سروده شده و به نمونه‌هایی  
 اشاره می‌شود.

### الف) اشعاری که بیانگر سخنان پیامبر اکرم(ص) درباره‌ی حق بودن علی(ع) است:

«عبدالامیر منصور»<sup>۱۱</sup> در این باره قصیده‌ای به نام «نفحة الحب»  
 دارد که در بخشی از آن گوید: در عالم جاودان، پرچم رحمت و  
 کرامت انسانی به اهتزاز درآمد و شقاوت و بدبختی رو به زوال  
 نهاد، آنگاه که در روز غدیر، ندایی طنین‌افکن شد که: ای  
 مسلمانان! این علی است. یعنی پرچمدار حق و حقیقت:

رُفِّ فِي عَالَمِ الْخُلُودِ لِيَوَاءِ

نُشِرَتْ رَحْمَةٌ وَعَمَّ رَحَاءُ

رُفِعَتْ رَايَةُ الْكِرَامَةِ لِلْإِنَاءِ

سَسَانِ زَالَ الشَّقَاءُ وَالْبِئْسَاءُ

حَيْثُ يَوْمَ الْعَدِيرِ أَخْلَدَ يَوْمٌ

جَلَجَلَتْ صَرْحَةٌ وَ رَنَّ نِدَاءُ

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ هَذَا عَلِيٌّ

هُوَ لِلْحَقِّ رَأْدٌ بِنَاءُ

(الجمری، ۱۹۹۲: ۵۷)

شاعر دیگری در این زمینه سروده است: پیامبر گرامی  
 اسلام(ص) بر فراز منبر قرار گرفتند و با بیان پرخیز و برکت  
 خویش فرمودند: خداوند برای شما امام و پیشوایی قرار داده که نه  
 از روی هوی و هوس، بلکه بر اساس کتاب خدا حکم می‌کند.  
 دست او بفشارید و با او بیعت کنید؛ چرا که همچون سیاره‌ای که  
 در آسمان بر مدار خود می‌چرخد، علی(ع) بر مدار حق می‌گردد:

فَاعْتَلَى الْمَنبَرَ الرَّسُولُ وَ أذَلَّى

بِبَيَانِ كَالذَّبِيْمَةِ الْوُطْفَاءِ

قَدْ أَقَامَ إِلَهُهُ فِيكُمْ إِمَامًا

حَاكِمًا بِالْكِتَابِ لَا الْاَهْوَاءِ

فَعَلَى يَدُورُ وَالْحَقُّ فِي أَفْقِ

مَدَارِ الشَّمْسِ فِي الْاَجْوَاءِ

(الخنیزی، ۱۹۹۱: ۱۳)

یک شاعر معاصر عراقی نیز مضمون یاد شده را با بیان  
 ضعیف‌تری به نظم کشیده و گفته است:

(همان: ۳۶۸)

أَنْتَ الْحَقِيقَةُ يَا عَلِيُّ! وَ كُلُّهُمْ

لَكَ فِي حَقِيقَةِ قَوْلِهِمْ أَصْدَاءُ

(ابوزرق، ۱۹۹۲: ۱۳۸)

«محمد جمال الهاشمی» نیز در این زمینه می‌گوید: دشمن نادان، فضل تو انکار کند و دوست کج‌اندیش در بیان آن افراط؛ در حالی که من معتقدم تو ترازوی حقی هستی که هر چیزی در حد و اندازه‌ی خودش فراروی سنجش توست.

رَاحَ يُخْفِي الْعَدُوَّ فَضْلَكَ جَهْلًا

وَيْحَ إِدْرَاكِهٖ، أَيُخْفِي النَّهَارُ؟

وَ غَلَا الْعَاشِقُ الْمُضَلَّلُ حَتَّى

قَالَ مَا فَوْقَ قَدْرِهِ مِقْدَارُ

يُبْدَأُ أَيُّ أَرَاكَ لِحَقِّ مِيرَا

نَا تَسَاوَتْ فِي عَيْنِهِ الْأَقْدَارُ

(الهاشمی، بی‌تا: ۷۰)

### ۳. سلامت و سعادت مردم در نظام علوی

با نگرشی کوتاه به سخنان علی(ع) در نهج‌البلاغه و بخصوص فرمان حضرت به مالک اشتر<sup>۱۵</sup> و تأملی در سخن پیامبر اکرم(ص)<sup>۱۶</sup> درباره‌ی حضرت، روشن می‌شود که یک نظام اداری سالم و به دور از عیب و نقص می‌تواند نقشی اساسی در تأمین سلامت دنیوی و اخروی مردم داشته باشد. این کلام امام علی(ع) تا حد زیادی عقیده‌ی ایشان را در این زمینه برای ما روشن می‌سازد: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَيَّ أُمَّةَ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدَّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ، كَيْلًا يَتَّبِعُ فِيهِ لَكَ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ!» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۹: ۳۲۵) خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند. باز در همین زمینه، امام علی(ع) می‌فرماید: «لَا تَغْرَنُكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا كَمَا غَرَّتْ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَّةِ الْمَاضِيَةِ وَ الْقُرُونِ الْخَالِيَةِ .. فَاحْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا عَدَارَةٌ خَدُوعٌ» (همان، خطبه‌ی ۲۳۰: ۲۵۲). مبادا دنیا شما را بفریبد همان‌گونه که ملت‌های پیش از شما و امت‌های گذشته را فریفت... از دنیا بپرهیزید که مکار و فریبکار است.

این امر باعث شده است که شاعران معاصر نیز در اشعارشان به این ویژگی حضرت اهتمام ورزند. گرچه نسبت به شاعران دوره‌های پیشین، کمی کم‌رنگ‌تر به نظر می‌رسد! در هر حال به چند نمونه بارز این اشعار اشاره می‌شود.

«علی‌عبدالله الفرج» شاعر سعودی در این باره سروده است:

تپش قلب تو حیات زندگی است و حروف یادت صلوات هدایت و

«عبدالحسین الازری» نیز در این زمینه خطاب به علی(ع)

گوید: ای علی! تو با حق در یک پایه از تعالی قرار داری. جز تو رمز روشنی‌بخشی برای حق وجود ندارد. تو بهترین نمونه‌ی حق هستی که در چشم‌انداز آن، جمال و زیبایی پدیدار است و زندگی در این دنیا، نغمه‌سرا و ترانه‌خوان امت گشته است:

أَنْتَ وَالْحَقُّ فِي الْعُلُوِّ سَوَاءُ

لَيْسَ إِلَّا كَ رَمَزِهِ الْوَضَاءُ

وَ إِلَى الْحَقِّ أَنْتَ أَعْلَى مِثَالِ

بَارِزٍ فِيهِ رَوْعَةٌ وَ رُؤَاءُ

تَتَغَنَّي الْحَيَاةَ بِاسْمِكَ فِي الدُّنْيَا

سَيَا وَ تَشْدُو كَأَنَّهَا الْوَرْقَاءُ

(الازری، بی‌تا: ۳۲۳)

«عبدالباقی العُمَری» نیز با اینکه همچون شاعر پیشین، عبدالحسین الازری، از شاعران اهل سنت به شمار می‌آید و در بخشی از اشعار خود گفته است: پس از جدّم مقتدای من عثمان است.<sup>۱۳</sup> با این حال وقتی به بیان فضایل علی(ع) می‌رسد، چنان مجذوب وی می‌گردد که بیشتر فضایل و مناقب حضرت را به نظم می‌کشد.<sup>۱۴</sup> وی وقتی به موضوع حق‌مداری علی(ع) می‌رسد، حضرت را یار و یاور حق و چشمه جوشان احسان و کرم معرفی می‌کند که نه تنها قابل تردید نیست، بلکه از آفتاب روشن‌تر است:

كَانَ لِلْحَقِّ نَاصِرًا وَ مُعِينًا

وَ بِيَوْمِ النَّوَالِ عَيْنًا مَعِينًا

وَ الَّذِي جَاءَ مِنْ شُكُوكِ يَقِينًا

لَمْ يَزِدْهُ كُشْفُ الْعِطَاءِ يَقِينًا

بَلْ هُوَ الشَّمْسُ مَا عَلَيْهِ غِطَاءُ

(العُمَری، بی‌تا: ۵۳)

شاعر دیگری، علی(ع) را معیار حق دانسته و در این زمینه، حضرت را مخاطب قرار داده و سروده است: حق همان است که تو می‌گویی و دین همان است که تو «بحق» می‌آموزی. نبوغ و آفرینندگی در کلام توست نه در آنچه سخنوران زمان ابراز داشته‌اند. تمام حقیقت تویی و دیگران در سخن حقشان پژواک حقیقت تو می‌باشند:

الْحَقُّ مَا أَعْلَنَتْهُ وَ الدِّينُ مَا

عَلَّمَتْهُ بِالْحَقِّ، لَا مَا شَاؤُوا

وَ الْعَبْرِيَّةُ مَا نَطَقْتَ وَ لَيْسَ مَا

طَقَّ الزَّمَانُ وَ قَالَتِ الْبَلْغَاءُ

غَيْرَ أَنَّ الْإِنَامَ قَدْ ضَيَّعُوهُ

فَأَضَاعُوا بِهِ سَبِيلَ الْمَصِيرِ

(همان: ۳۴۷)

#### ۴. نظام اداری سالم، خدمتگذار یا حاکم؟

در اینکه نحوه‌ی برخورد دولت‌مردان و حاکمان جامعه با مردم باید چگونه باشد و زمامدار در قبال مردم ملزم به رعایت چه نکاتی است سخن‌ها گفته شده و قلم‌فرسایی‌ها شده است اما نکته اینجاست که قبل از بحث در این زمینه باید به یک سری قانون‌های کلی و نکات اخلاقی مرتبط با موضوع مورد نظر دست یافت که از طرف فطرت حقیقت جوی بشری و نه خودکامگی‌های عده‌ای منفعت‌طلب- قابل قبول و پذیرفتنی بوده و عقل راستین بشریت در آن تناقضی با حقیقت و عدالت نیابد.

اما در همین مرحله نیز سؤالی دیگر فراروی ذهن حقیقت‌جوی انسان قرار می‌گیرد، سؤال این است که از کجا باید به این قانون‌های کلی و منطبق با فطرت بشریت دست یافت. برای ما که مسلمان بوده و پیرو ائمه و اهل بیت علیهم‌الصلوة و السلام هستیم پاسخ این پرسش واضح و روشن است؛ زیرا کتاب مقدس قرآن و سیره پیغمبر، اهل بیت و ائمه(ع) فراروی ما قرار دارد و این اسوه حسنه در کنار قرآن کریم دو ثقلی هستند که در صورت چنگ زدن به آن، هیچ انحراف و لغزشی فراروی ما قرار نخواهد گرفت «هنالك الولاية لله الحق» (کهف/۴۴). ولایت برای خداوند تبارک و تعالی است «يا أيها الذين آمنوا أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و أولي الأمر منكم» (نساء/۵۹). ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خداوند تبارک و تعالی و پیامبر و اولیای امر خود اطاعت کنید.

همچنین در آیه‌ی ۳۶ سوره نساء آمده است: (و اعبدوا الله و لا تُشركوا به شيئاً و بالوالدين إحساناً و بذی القربى و الیتیمی و المساکین و الجار ذی القربى و الجار الجنب و الصاحب بالجنب و ابن السبیل و ما ملکت أیمانکم إن الله لا یحب من کان مُختلاًلاً فخوراً): خدای یکتا را بپرستید و هیچ چیزی را شریک وی نگیرید و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و فقیران و همسایه خویش و همسایه‌ای که بیگانه است و دوستان موافق و رهگذران و بندگان در حق همه نیکی و مهربانی کنید که خدا انسان خودپسند متکبر را دوست ندارد.

از دیدگاه امام علی(ع) خداوند بین حاکمان جامعه و مردم حقوق متقابلی قرار داده و رعایت این حقوق را بر هر یک از طرفین واجب نموده است. اگر مردم در این زمینه کوتاهی کنند مورد بازخواست قرار گرفته و عذاب دنیوی و اخروی در انتظار آنها است

بالتدگی است. هرگاه زندگی سر بر آستانت ساید، سرود بیداری سر دهد و گوید: اکنون نسیم‌زندگانی بر من دمید. هر گاه جرعه‌ای از جام محبتت سرکشم، زندگان و مردگان راسرмест بینم:

نَبَضَاتُ قَلْبِكَ لِلْحَيَاةِ حَيَاةٌ

و حُرُوفُ ذِكْرِكَ لِلْهُدَى صَلَوَاتُ

سَجَدَتْ لَكَ الْإِيَّامُ تَنْفِضُ جَفْنَهَا

و تَقُولُ: قَدْ نَفِخْتُ عَلَى حَيَاةٍ

و شَرِبْتُ مِنْ خَمْرِ الْوَلَايَةِ رَشْفَةً

فَتَمَائِلُ الْأَحْيَاءِ وَالْأَمْوَاتِ

(الفرج، ۱۹۹۶: ۱۳)

شاعر دیگری به مضمون سخنان رسول گرامی اسلام(ص) اشاره می‌کند که فرموده‌اند: علی، مولی و سرور شماست و شما را از ناکامی باز می‌دارد. سعادت دنیا و آخرت وابسته به اوست و ولایت و محبت او معیار ایمان و نفاق است:

فَدَعَاهُمْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَذَا

مَوْلَاهُ يُعْصِمُهُ مِنَ الْإِخْفَاقِ

فِيهِ السَّعَادَةُ فِي الْحَيَاةِ مَنْوُطَةٌ

و بِهِ النَّجَاةُ غَدَاً مِنَ الْإِحْرَاقِ

و وِلَاؤُهُ مَعْيَارُكُمْ وَ مُمَيِّزٌ

مَا بَيْنَ إِيْمَانٍ وَ بَيْنَ نِفَاقٍ

(الجمري، ۱۹۹۲: ۵۱)

«فخرالدین الحیدری» خطاب به علی(ع) گوید: تو راز زندگی هستی، بلکه حقیقت وجودیت قابل تفسیر و بیان نیست. مایه‌ی افتخاری، و شکوه تو تاج سرآسمان‌هاست.

أَنْتَ سِرُّ الْحَيَاةِ بَلْ كُنْهُ مَعْنَا

كَ اسْتَحَالَ التَّفْسِيرَ وَ التَّأْوِيلَا

أَنْتَ فَخْرُ الْوُجُودِ نَفْساً وَ ذَاتَا

جَسَدَتْ مَجْدَكَ السَّمَاءُ كِلِيَلَا

(الشاکری، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۳۱۸)

«محمدرضا آل‌صادق» نیز امام علی(ع) را راز زندگی و گنج سعادت‌بخش خلق می‌داند که مردم قدرش ندانستند و به بیراهه رفتند.

أَنْتَ سِرُّ الْحَيَاةِ قَدْ صَمَّ كُنْزَا

لِلرَّيَا مِنَ التَّرَا الْغَزِيرِ

سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ فَعَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِحِ فِي ذَلِكَ وَ حُسْنِ  
التَّعَاوُنِ عَلَيْهِ» (همان: ۳۳۲)»<sup>۱۷</sup>.

این ویژگی‌ها در سیره‌ی علوی مورد توجه شاعران معاصر عرب اعم از شیعه و سنی قرار گرفته و در این زمینه شعرها سروده‌اند. «محمدصالح بحرالعلوم»<sup>۱۸</sup> از جمله شاعران معاصر است که به این امر توجه نموده و معتقد است کسانی که داعیه حکومت بر مردم را دارند باید نحوه‌ی برخورد با مردم و رعایت عدالت را از ایشان بیاموزند که چگونه به مظلومان و بی‌نویان کمک می‌کرد و این امر را در طول مدت خلافت خود الگو و سرمشق قرار داده و بر آن مراقبت می‌نمودند و در این راه ذره‌ای کوتاه نیامده و با والیان کارگزارانی که از حق عدول می‌نمودند به شدت هرچه تمام برخورد می‌کردند.

لَيْتَ مَنْ يَدْعِي الْإِمَامَةَ يَرَعِي

حُرْمَةَ النَّاسِ وَ هِيَ مِنْ مِيزَاتِكَ

وَ يَرَى كَيْفَ كُنْتَ تُشْبِعُ غُرَّ

نَاهُمْ وَ تُكْسِي عُرَاتِهِمْ بِصِلَاتِكَ

هَكَذَا عِشْتَ أَنْتَ تَشْمَلُ حَتَّى

أَبْعَدَ الْآبَعْدِينَ فِي رَحْمَاتِكَ

وَ إِذَا اسْتَهْتَرَ الْوَلَاةَ بِحَيْفٍ

كُنْتَ سَيْفًا عَلَى رِقَابِ وَلَا تَكُ

(بحرالعلوم، ۱۹۶۸: ۱۹۲)

امام در نامه‌ی خود به مالک اشتر اینگونه سفارش می‌کند: «وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ وَ مَنْ لَكَ فِيهِ هَوَى مِنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّكَ إِلَّا تَفْعَلْ تَطْلِمُ وَ مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ حَصْمَهُ دُونَ عِبَادِهِ» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳: ۴۲۸) با مردم و با خویشاوندان نزدیک و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری انصاف را رعایت کن که اگر چنین نکنی ستم روا داشته‌ای و کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود»

شاعر معاصر عراقی، «سید محمدجمال الهاشمی» نیز در قصیده‌ای با نام «یا ابا النهج» شیوه‌ی حکومتی حضرت را همان شیوه‌ی اسلام می‌داند که فقیر و غنی در اقتصاد آن از سود مشترک برخوردارند. کارگر به حق خود دست می‌یابد و کارفرما بهره‌ی عادلانه‌ای می‌برد و کشاورز و مالک به‌طور مساوی از زمین سود می‌جویند. بازنشسته و از کار افتاده، ملجأ و پناهی برای خود می‌یابد و خلاصه همه مردم از منافع بازار بهره‌مند می‌گردند. وی در بخشی از این قصیده می‌گوید:

و اگر رهبران به تعهدات خود عمل ننمایند محاکمه شده و حتی ممکن است از مقام و منصب خود عزل گردند.

از منظر امام علی(ع) جامعه‌ی مطلوب آن است که «افراد دقیقاً به وظایف و تعهدات خود آشنا بوده و به آنها عمل نمایند، چنین جامعه‌ای به سرعت راه‌های رشد، توسعه و کمال را طی خواهد کرد. در غیر این صورت شیرازه‌ی باطنی جامعه از هم گسیخته شده و اگر چه ظواهر نظام برپاست و همه اجزای آن به صورت منظم و طبق قوانین انجام وظیفه می‌نمایند ولی این نظم ظاهری بوده و فساد، ظلم، بی‌عدالتی و... سراسر نظام و ریشه‌های آن را فرا می‌گیرد. در چنین جامعه‌ای هواپرستی، پراکندگی و دشمنی پدید آمده و پایمال شدن حقوق امری عادی و روزمره می‌شود» (علیخانی، ۱۳۸۱: ۱۴۶) حضرت علی(ع) در خطبه‌ای پیرامون حقوق متقابل مردم و کارگزاران چنین می‌فرماید:

«أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بِلَوْلَايَةِ أَمْرِكُمْ

وَ لَكُمْ عَلَيَّ مِنْ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ فَالْحَقُّ أَوْسَعُ

الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَّاصِفِ وَ أَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ» (نهج البلاغه،

خطبه ۲۱۶: ۳۳۲). خداوند سبحان با حکومت دادن من بر

شما، برای من حقی قرار داده و برای شما همانند حق من

حقی تعیین فرموده است. چرا که حق گسترده‌تر از آن

است که وصفش کنند، ولی به هنگام عمل تنگنایی

بی‌مانند دارد ... ثُمَّ جَعَلَ سُبْحَانَهُ مِنْ حُقُوقِهِ حُقُوقًا أَفْتَرَضَهَا

لِبَعْضِ النَّاسِ عَلَى بَعْضٍ فَجَعَلَهَا تَكَافُؤًا فِي وُجُوهِهَا وَ

يُوجِبُ بَعْضُهَا بَعْضًا وَ لَا يُسْتَوْجَبُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ وَ أَعْظَمُ

مَا أَفْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِيِ عَلَى الرَّعِيَةِ

وَ حَقُّ الرَّعِيَةِ عَلَى الْوَالِيِ فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ

عَلَى كُلِّ فَجَعَلَهَا نِظَامًا لِأَفْتِهِمْ وَ عِزًّا لِدِينِهِمْ فَلَيْسَتْ تَصَلُّحُ

الرَّعِيَةِ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ وَ لَا تَصَلُّحُ الْوَلَاةِ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ

الرَّعِيَةِ فَإِذَا أَدَّتْ الرَّعِيَةُ إِلَى الْوَالِيِ حَقَّهُ وَ أَدَّى الْوَالِيِ إِلَيْهَا

حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَ قَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ

الْعَدْلِ وَ جَرَتْ عَلَى أَدْلَالِهَا السُّنَنُ فَصَلِحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ وَ

طُمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَ يَبَسَتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ وَ إِذَا غَلَبَتْ

الرَّعِيَةُ وَالْيَا أَوْ أَجْحَفَ الْوَالِيِ بِرَعِيَّتِهِ اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ

وَ ظَهَرَتْ مَعَالِمُ الْجَوْرِ وَ كَثُرَ الْإِدْغَالُ فِي الدِّينِ وَ تَرَكَتْ

مَحَاجُ السُّنَنِ فَعَمِلَ بِالْهَوَى وَ عَطَلَتْ الْأَحْكَامُ وَ كَثُرَتْ عِلَلُ

النُّفُوسِ فَلَا يُسْتَوْحَشُ لِعَظِيمِ حَقِّ عَطَلٍ وَ لَا لِعَظِيمِ بَاطِلٍ

فُعِلَ هُنَالِكَ تَذَلُّ الْأَبْرَارِ وَ تِعِزُّ الْأَشْرَارِ وَ تَعْظُمُ تَبَعَاتُ اللَّهِ



إِقْتِصَادُ نَفْعُهُ مُشْتَرِكٌ

شَاطِرُ الْمُعْوَزِ فِيهِ الْإِثْرِيَاءُ

يَمْنَحُ الْعَامِلَ مَا يَأْمُلُهُ

و ذَوِي الْمَعْمَلِ مَا يَكْفِي اِرْتِوَاءُ

و تَرَى الْفَلَّاحَ وَالْمَلَكَ فِي

شِرْكَةِ الْأَرْضِ كَمَا شَاءَ سِوَاءُ

و لِمَنْ أَقْعَدَهُ الدَّهْرُ تَرَى

مَلْجَأً فِيهِ، لَهُ يَاوِي التَّجَاءُ

فَجَمِيعُ النَّاسِ فِي أَرْبَاحِ مَا

تُنْتِجُ الْأَسْوَاقُ صَارُوا شُرَكَاءُ

(الهاشمی، بی تا: ۵۹)

#### ۵. مهربانی با قشر مستضعف و درمانده

در هر جامعه‌ای گروهی از مردم هستند که به عنوان قشرهای آسیب‌پذیر جامعه شناخته می‌شوند. این افراد به سبب عدم توانایی مالی و ضعف فرهنگی و معنوی، فشار زیادی را متحمل می‌شوند و هر لحظه کرامت انسانیشان در معرض تهدید قرار می‌گیرد. اینها همواره به دنبال تکیه گاه و ملجأ و مأوایی می‌گردند که از آنها حمایت نماید؛ ولی با نهایت تأسف در بیشتر مواقع، باز طعمه حيله‌گران ظاهر صلاح، و عوام فریبان، قرار می‌گیرند و وضعشان از آنچه که هست بدتر و بدتر می‌شود. اینجاست که همه‌ی نگاه‌ها متوجه امام علی(ع) و حکومت وی می‌گردد؛ انسانی که خارج از تظاهر و ریا و به دور از فریب و نیرنگ، یتیم نواز بود و حامی بیچارگان و یاور ضعیفان. یکی از اصول مهم تربیتی در رابطه با برخورد و تعامل میان دولتمردان با مردم بحث رعایت حال مستضعفین جامعه و مهربانی با مردم است.

امام علی(ع) مالک اشتر و در حقیقت تمامی دولتمردان را مخاطب قرارداده و می‌فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش، مبادا هرگز چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند: یا برادر دینی تو بوده یا همانند تو در آفرینش هستند. اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان غلبه می‌یابد یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می‌گردند آنان را ببخشای و بر ایشان آسان گیر آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳: ۴۲۷)<sup>۱۹</sup>

بی‌سبب نیست که این ویژگی انسانی - اجتماعی امام علی(ع) که در راستای سلامت نظام اداری - اسلامی علوی نقشی به سزا ایفا می‌کند، در اشعار نیز بازتاب گسترده‌ای یافته است و شاعران دربارهی آن نغمه‌های دلنواز سروده‌اند که به نمونه‌های بارز آن اشاره می‌کنیم.

«عبدالکریم آل‌زرع» شاعر سعودی در این زمینه می‌گوید: آیا جز علی(ع) کسی هست که در دل شب به جستجوی خانه یتیمان برخیزد؟ و از این کار ملالی به خود راه ندهد؟ و سینه گرم و پر مهر خود را به روی آنها بگشاید؟ و آنها را در حکومتش همچون فرزندان خویش عزیز دارد؟ و غذا و لباس برایشان تهیه کند؟ این علی(ع) است که پناه ضعیفان و فریادرس یتیمان است:

و مَنْ يَرْتَادُ أَيْتَاتِ الْيَتَامَى

بِجَوْفِ اللَّيْلِ لَا يَشْكُو كَلَالًا

فَيَفْتَحُ قَلْبَهُ الْحَانِي إِلَيْهِمْ

يَرَاهُمْ فِي وَلَايَتِهِ عَيْنًا

و يُطْعِمُهُمْ وَ يَكْسُوهُمْ وَ لَكِنْ

لِيَقِي طَاوِيًا لَمْ يَيْقُ مَالًا

عَلَىٰ كَانٍ لِلضُّعْفِ سُورًا

وَ لِالْيَتَامِ قَاطِبَةً ثَمَالًا

(الشاکری، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۳۸۳)

شاعر دیگری به نام «عبدالمهدی مطر» در این باره گفته است: از آه و ناله‌ی یتیمی که مادر ندارد تا با او به مهر سخن گوید و پدر ندارد تا به او محبت ورزد، تمام وجود امام علی(ع) به لرزه در می‌آید و این یگانه سیره و راه و روشی است که روح وصی پیامبر اکرم(ص) با آن دمساز است.

تَهْفُو حَسَاهُ لَا نَاتِ الْيَتِيمِ بِلَا

أُمَّ تُتَاغَى وَلَا يَحْنُو عَلَيْهِ أَبٌ

هَذِي هِيَ السَّيْرَةُ الْمُتَلَى تَمُوجُ بِهَا

رُوحُ الْوَصِيِّ وَ هَذَا نَهْجُهُ اللَّحْبُ

(همان: ۱۶۶)

شاعر دیگری خطاب به علی(ع) می‌گوید: تو سایه‌ی بلند پایه‌ی یتیمان بودی و آنها را در سرایت گرمی می‌داشتی. ای فریادرس یتیمان! تو برای هر کس که تاریکی فقر و تنگدستی آورده‌اش ساخته و به وحشت انداخته، پناه و پشتیبان بودی و در دل شب، هنگامی که مردم در خواب ناز بودند، بار گدایان به دوش می‌کشیدی:

كُنْتَ لِلْإِيْتَامِ ظِلًّا وَارِفًا

و لَذَا عَاشُوا بِمَعْنَاكَ كِرَامًا  
و لَقَدْ كُنْتَ لِمَنْ أَرْعَبَهُمْ

شَيْخُ الْفَقْرِ مَلَاذًا وَ دِعَامًا  
كُنْتَ تَأْتِيهِمْ وَقَدْ نَامَ الْوَرَى

بِجِرَابِ الزَّادِ يَا غَوْتَ الْيَتَامَى

(الجامع، بی تا: ۲۵)

«فرات الاسدی» نیز با ابیات زیبایی، حضرت را کشتی تهیدستانی معرفی می‌کند که همواره مروارید تازه صید می‌کند. اطعامشان می‌نماید و هنگام سرگشتگی شادی بخششان می‌باشد و در بامداد با دلی پر از خون به دیدارشان می‌رود و روزشان را با هزاران امید و آرزو به شب می‌رساند:

لِأَشْتَاتِ الْكَلَامِ الصَّعْبِ خَارِطَةً خُرَافِيَهُ

تِرَاكُضَ فِي مَدَاهَا الْبَحْرِ... وَالرَّيْحُ الضَّيَّابِيَهُ

و أَنْتَ سَيِّفِيَةُ الْفُقَرَاءِ تُخْرِجُ لَوْلَا رَطْبًا

و تُطْعِمُهُمْ... وَ تُسْرِجُ فِي الْمَتَاهَةِ أَلْفَ أَغْنِيَهُ

تُصَبِّحُهُمْ بِرَائِحَةِ الدَّمِ الْمَجْبُولِ مِنْ غَضَبٍ

تُمْسِيهِمْ بِلَوْنِ دَوَارِهِ فِي كُلِّ أُمْنِيَهُ

(الشاکری، ۱۴۱۸، ج ۵: ۳۷۷)

گروهی از شاعران فقدان حضرت را مصیبت بزرگی برای بیچارگان و ضعیفان برشمرده‌اند که قلوب آنها را بیش از پیش جریحه‌دار نموده و غم و اندوهی بر اندوه‌های فراوانشان افزوده است. در این خصوص «محمد رضا آل صادق» سروده‌است: با فقدان تو دین، عزیز بزرگی را از دست داد و ماتم‌زده شد. غم و اندوه دل‌های یتیمان را جریحه‌دار نمود. با بودند پدر بخشنده‌ای داشتند؛ ولی اکنون بهترین پشتیبان خود را از دست داده و حیرت زده و پریشان مانده‌اند و در زندگی جز تاریکی، افق روشنی فرا رویشان نمی‌یابند.

أُكِلَ الدِّينُ فِي مُصَابِكِ يَا مَنْ

كُنْتَ دِرْعًا لَهُ بُوْجُهِ الْعُنَاةِ

و اسْتَشَاطَتْ حُزْنَاً قُلُوبَ الْيَتَامَى

بِالْجِرَاحِ الْمَسْبُوبَةِ الدَّامِيَاتِ

فَقَدَّتْ حِصْنَهَا الْمَنِيْعَ وَ كَانَتْ

بِكِ تَلْقَى أَبَا سَخَى الْهَيْبَاتِ

فَهِيَ حَيْرَى وَقَدْ أَضَلَّتْ هَدَاهَا

لَمْ تَجِدْ غَيْرَ ظُلْمَةٍ فِي الْحَيَاةِ

(همان: ۳۴۸)

«بولس سلامه» نیز اشک چشمان یتیمان و جگر پاره پاره‌ی مسکینان را در فقدان حضرت منعکس نموده و گفته است:

هَالَهُ أَنْ يَرَى دُمُوعَ الْيَتَامَى

وَالْمَسَاكِينَ تَمْرُقُ الْإِكْبَادَا

(سلامه، ۱۹۸۶: ۱۴۱)

«مهدی الاعرجی» نیز می‌گوید: یتیمان با از دست دادن این پدر نیکوکار و با محبت، در حقیقت یتیم شدند و در ماتم او نشستند.

و بَا تَتَّ بَعْدَهُ الْإِيْتَامُ تُكَلَى

وَقَدْ فَقَدَتْ أَبَا بَرًّا وَ دُودَا

(الشاکری، ۱۴۱۸: ۷۶)

«صالح الحلّی» نیز فقدان حضرت را مایه‌ی ناامیدی و یأس یتیمانی می‌داند که حضرت را همواره یار و مددکار خود می‌دیدند.

قَلْ لِلْيَتَامَى فَاقْنَطَى وَ تَهَيَّيْ

لِلسَّيْرِ مُسْرِعَةَ السَّرَى وَ فَاذَاهَا

أَجْفًا وَ مَا عَوَدَتْهَا مِنْكَ الْجَفَا

لِلْمُعْتَقِينَ فَمَنْ يَرَى إِسْعَادَهَا

لَابِلَ طَوْنِكَ يَدُ الْبَلَى عَنْ وَصْلِهَا

يَاغِيْبَهَا وَ غِيَابَهَا وَعِمَادَهَا (همان: ۷۹)

لازم به ذکر است که این قبیل مضامین را شاعران بسیاری در اشعار خود آورده‌اند، ولی از آنجایی در الفاظ و معانی با یکدیگر چندان تفاوتی ندارند، از ذکر آن خودداری شد. در پایان این موضوع، عقیده‌ی یکی از شاعران را یادآور می‌شویم که حضرت را ایمنی‌بخش ترس‌ها و پناه‌بخش پیش‌آمدهای سخت و ناگوار خوانده که در شداید به او پناه می‌جویند و ایشان را مشکل‌گشا می‌دانند:

لَا زِلْتَ مَوْلَايَ مُؤْمِنَ رَوْعَتِي

و مَلَاذِي الْحَانِي بِكُلِّ مَلِمَةٍ

مَا جِئْتُ بِأَبِكَ فِي الشَّدِيدَةِ عَائِدًا

إِلَّا وَ صُدَّتْ عَنْ حِمَايَ وَ رُدَّتْ

(الحرز، ۱۴۱۷: ۸۷)

شاعر دیگری معتقد است که امام علی(ع) از بس به حل مشکلات مردم همت‌گماشته به عنوان مشکل‌گشا لقب گرفته است:

۲. محمدسعید الخنزیری در سال ۱۹۳۴ میلادی در القطیف عربستان سعودی دیده به جهان گشود و در خانواده‌ای فرهنگی و مذهبی رشد و نمو یافت (آل عبدالمحسن، بی‌تا: ۸۲)

۳. عبدالمعزم فرطوسی در سال ۱۳۳۵ قمری در یکی از توابع العمارة در عراق دیده به جهان گشود. وی نزد آیت‌الله خویی افتخار شاگردی داشته و ملحمه‌ای در مورد اهل بیت علیهم السلام دارد که بالغ بر هشت جلد است. وی در سال ۱۹۸۳ میلادی دیده از جهان فرو بست.

۴. محمدصالح بحر العلوم در سال ۱۳۲۶ قمری / ۱۹۰۸ میلادی در عراق دیده به جهان گشود. وی به «شاعر میهنی» معروف است، برخی آثارش عبارتند از: دیوان العواطف، اقباس الثورة و... (الأمینی، ج ۱: ۲۱۶)

۵. عبدالحمید معروف به صغیر از آل خاقان. شاعر و ناقد جامعه، در سال ۱۳۳۸ هـ ق / ۱۹۲۰ م در نجف اشرف زاده شد. به کسب دانش پرداخت (الخاقانی، ۱۴۰۸، ج ۵: ۳۴۶).

۶. محمدصادق القاموسی، نویسنده، شاعر و ادیب، در سال ۱۳۴۱ هـ ق / ۱۹۲۳ م در نجف اشرف دیده به جهان گشود. در حوزه و دانشگاه به کسب دانش پرداخت، تألیفات زیادی از جمله دیوان شعر دارد. وی در سال ۱۴۰۸ هـ ق در گذشت (الامینی، ۱۹۹۲، ج ۳: ۹۶۹).

۷. عدنان العوامی در سال ۱۳۵۴ قمری در القطیف سعودی به دنیا آمد، زندگی ادبی خود را با مقاله‌نویسی و قصه و نمایش‌نامه شروع کرد و سپس به شعر روی آورد، اشعار وی در دیوانی به نام «شاطع الیباب» به چاپ رسیده است (الشاکری، ۱۴۱۸: ۳۰۶)

۸. الأزری در سال ۱۳۹۸ قمری در بغداد به دنیا آمد، وی در لغت و تاریخ تخصص داشت و در سال ۱۹۱۱ روزنامه‌ی «المصباح» را منتشر ساخت، دیوان وی به نام «دیوان الأزری» به چاپ رسیده است (بطی، ج ۲، ۱۹۲۳: ۵۱).

۹. دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خوشنودی مردم گسترده‌ترین باشد.

۱۰. عبدالأمیر المنصور سخنور، ادیب، شاعر و مجاهد بحرینی در سال ۱۳۵۷ قمری در منامه به دنیا آمد، دیوانی از وی به نام «عصارة القلب» به چاپ رسیده است.

۱۱. وی همین مضمون را در قصیده‌ی دیگری در صفحه ۳۴ آورده است.

۱۲. فخرالدین الحیدری نیز همین مضمون را دارد که به علت تشابه، از ذکر آن خودداری شد.

۱۲. بولس سلامه، ادیب و شاعر و نویسنده‌ی مسیحی، در سال ۱۹۰۳ میلادی در لبنان متولد شد. آثار زیادی از وی برجامانده که از این جمله است «ملحمة الغدیر» که در باره‌ی فضایل امام علی

هو للمُشکلِ حلالٌ وقد

شاعَ فی النَّاسِ لهُ اسمٌ وانتَشَر

یَدُهُ فی السَّیِّبِ غَیْثٌ هَاطِلٌ

عَلِمُ السَّحْبِ سَخَاءٌ فَمَطَر

(الناصری، ۱۳۷۲ش: ۲۰)

سراینده‌ی دیگری حضرت را مدار حل مشکلات و مدیر روزگار و امین امت و امیرمؤمنان دانسته و سروده است:

فَلَا مُشْکِلٌ إِلَّا وَ أَنْتَ مَدَارُهُ

وَلَا فَالْکَ إِلَّا وَ أَنْتَ مُدیرُهُ

وَلَا أُمَّةٌ إِلَّا وَ أَنْتَ أَمیرُهُ

وَلَا مُؤْمِنٌ إِلَّا وَ أَنْتَ أَمیرُهُ

(الموسوی الهندی، ۱۹۸۸: ۲۳)

### نتیجه‌گیری

مقاله‌ی حاضر، برخی از مؤلفه‌های سلامت نظام اداری در سیره‌ی علوی و بازتاب آن در شعر معاصر عربی را مورد بررسی و کنکاش قرار داده است که در این چارچوب، ابتدا مطالبی درباره‌ی سلامت نظام اداری مطرح گشته و سپس با تأکید بر این نکته که عقل بشری به تنهایی قادر به تبیین صحیح و بی‌نقص مؤلفه‌های نظام اداری سالم نیست، سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) به عنوان الگویی برتر در این زمینه معرفی کرده است. آنگاه بحث نظام اداری علوی و تعیین مؤلفه‌های آن و بیان بازتاب آن در شعر معاصر عربی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

عدالت‌محوری در حکومت‌داری، حق مدار بودن و حمایت از حق و حقیقت، سلامت و سعادت مردم را در نظر داشتن، برپا کردن یک نظام اداری سالم و خدمتگذار، و مهربانی با مردم به ویژه قشر آسیب‌پذیر جامعه از مهم‌ترین نتایجی است که با کنکاش در شعر معاصر عربی به عنوان الگوپذیری از اخلاق علوی به دست آمده است. در نهایت باید اذعان نمود که تنها راه ارتقای سلامت نظام اداری در جامعه پیروی از سیره پیامبر اکرم (ص) و خاندان پاکش می‌باشد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره عدالت را بر پا دارید و برای خدا گواهی دهید، اگر چه به زیان خود یا والدین و بستگانتان باشد.

و یوتی علی ایدیهم فی العمدِ و الخطا، فأعظهم من عَفْوِكَ و صَفْحِكَ  
مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ و تَرْضَى أَنْ يُعْطِيكَ اللهُ مِنْ عَفْوِهِ و صَفْحِهِ.

### منابع

#### قرآن کریم

آل رمضان، ملا علی (۱۹۹۲ م)، دیوان؛ بیروت: مؤسسة البلاغ.

آل عبدالمحسن، عبدالله حسن (بی تا)، شعراء القطیف المعاصرون،  
السعودية: مطابع الرجاء.

ابراهیم، حافظ (۱۹۹۸ م)، دیوان؛ تعلیق: یحیی شامی، بیروت:  
دارالفکر العربی.

ابن ابی الحدید (۱۹۸۷ م)، شرح نهج البلاغه؛ بیروت: دارالجیل.

الازری، عبدالحسن (بی تا)، دیوان؛ بیروت: مؤسسة النعمانی.

الامینی، محمد هادی (۱۹۹۲ م)، معجم رجال الفكر و الادب فی  
النجف، [بی جا].

در انطاکی، عبدالمسیح (بی تا)، التصیفة العلویة المبارکة، مصر: مطبعة  
رعسیس.

بحرالعلوم، محمد صالح (۱۹۶۸ م)، دیوان، بغداد: مطبعة دارالتضامن.

بطی، رفائیل، (۱۹۲۳ م)، الأدب العصری فی العراق العربی، مصر:  
المطبعة السلفية.

البغدادی، احمد بن علی الخطیب (۱۳۴۹ هـ.ق. ۱۸۳۱ م) تاریخ  
بغداد، قاهره: مکتبة الجائمی.

پور عزت، علی اصغر (۱۳۸۰)، «مدیریت دولتی و عدالت  
اجتماعی»، دانش مدیریت، سال چهاردهم، شماره ۵۵: ۸۳ -  
۱۱۷.

الجامع، حسین (بی تا)، دنیا/القداسة، منتدی الغدیر الادبی، [بی جا].

الجمری، عبدالامیر منصور (۱۹۹۲ م)، عصاره قلب: الطبعة الاولى،  
البحرین: المطبعة الشرفیة.

الحرز، ناجی بن داود (۱۴۱۷ ق)، دیوان/الوسيلة، [بی جا].  
مؤسسة ام القرى للتحقیق والنشر.

الخاقانی، علی (۱۴۰۸ ق)؛ شعراء الغری؛ ج ۱ تا ۱۰، قم: مکتبة آية الله  
العظمی المرعشی.

الخنیزی، محمد عبد (۱۹۹۱ م)، أضواء من الشمس، [بی جا].

علیه السلام سروده شده است. وی در سال ۱۹۷۹ میلادی  
درگذشت. (داغر، ۱۹۸۳ م، ج ۴: ۳۴۸)

۱۳. در صفحه ۵۳ دیوان خود گوید: فِعْتَمَانُ أَقْتَدَى بَعْدَ جَدِّي.

۱۴. این فضایل و مناقب در کتاب مستقلى توسط انتشارات  
«الشريف الرضى» به نام دیوان الباقیات الصالحات، منتشر شده  
است.

۱۵. ر.ک. به: نهج البلاغه، صبحی الصالح، خطبه ی ۳: ۴۸ و نامه ی  
۴۳: ۴۲۶، و نامه ی ۴۵: ۴۱۶ و نامه ی ۳۱: ۳۹۱.

۱۶. ر.ک. به: سلیمان القندوزی الحنفی، ینایع المودة.

۱۷. پس خدای سبحان برخی از حقوق خود را برای برخی از مردم  
واجب کرد و آن حقوق را در برابر هم گذاشت که برخی از حقوق  
برخی دیگر را واجب گرداند و حق بر کسی واجب نمی شود مگر  
اینکه همانند آن را انجام دهد. در میان حقوق الهی بزرگترین حق،  
حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حق واجبی که  
خداوند سبحان بر هر دو گروه لازم شمرده و آن را عامل پایداری  
پیوند ملت و رهبر و عزت دین قرار داد. پس رعیت اصلاح  
نمی شود جز آنکه زمامداران اصلاح گردند و زمامداران اصلاح  
نمی شوند جز با درستکاری رعیت. پس آنگاه که مردم حق رهبری  
را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد حق در آن جامعه عزت  
یابد و راه های دین پایدار و نشانه های عدالت برقرار و سنت  
پیامبر (ص) استوار گردد. پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم  
حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس گردد. اما اگر مردم  
بر حکومت چیره شوند یا زمامدار بر رعیت ستم کند وحدت کلمه  
از بین می رود، نشانه های ستم آشکار و نیرنگ بازی در دین  
فراوان می گردد، راه گسترده ی سنت پیامبر (ص) متروک،  
هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل و بیماری های دل فراوان  
می شود. مردم از اینکه حق بزرگی فراموش می شود یا باطل  
خطرناکی در جامعه رواج می یابد احساس نگرانی نمی کنند. پس در  
آن زمان نیکان خوار و بدان قدرتمند می شوند و کيفر الهی بر  
بندگان، بزرگ و دردناک خواهد بود. پس بر شماسست که یکدیگر را  
نصیحت کنید و نیکو همکاری نمایید».

۱۸. محمد صالح بحرالعلوم، شاعرو ادیب مشهور عراقی در سال  
۱۳۲۶ هـ ق / ۱۹۰۸ م دیده به جهان گشود. به کسب دانش  
پرداخت و به سرودن شعر همت گمارد. به عنوان شاعر میهنی  
معروف است (الامینی، ۱۹۹۲، ج ۱: ۲۱۶).

۱۹. و اشعر قلبک الرحمة للرعیة، و المحبة لهم، و اللطف بهم، ولا  
تكونن عليهم سبعا ضاريا تغتنم اكلهم، فانهم صنفان: اما اخ لك في  
الدين، او نظير لك في الخلق، يفرط منهم الزلل، و تعرض لهم العلل،

داغر، یوسف أسعد (۱۹۸۳م)، مصادر الدراسة الأدبية، بیروت: منشورات الجامعة اللبنانية.

رهنما، اکبر و مهدی سبحانی نژاد و حمید علیین (۱۳۸۷)، «بررسی تحلیلی مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از منظر امام علی (ع) در نهج البلاغه»، دانشگاه شاهد، سال پانزدهم، دوره جدید، شماره ی ۲۸: ۳۰ - ۱.

سلامة، بولس (۱۹۸۶م)، عید/التعدیر؛ بیروت: دارالکتاب اللبنانی. الشاکری، حسین (۱۴۱۸هـ.ق)، علی فی الکتاب و السنة والادب، قم: مطبعة ستاره.

الصالح، صبحی (۱۳۹۵هـ.ق)، نهج البلاغه، قم: انتشارات هجرت. علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۱ش)، توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم.

علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۸ش)، «نسبت حق، عدالت و رضایت عمومی در اندیشه‌ی امام علی علیه السلام»، پژوهشنامه‌ی علوم سیاسی، سال چهارم، شماره‌ی ۳: ۱۶۰ - ۱۳۹.

العمری، عبدالباقی (بی تا)، دیوان، بی جا. الفرج، علی عبدالله (۱۹۹۶م)، أصداء النعم المسافر، بیروت: منشورات مؤسسة الهدایة.

الفرطوسی، عبدالمنعم (۱۹۷۷م)، ملحمة أهل البيت، بیروت: دارالزهراء للطباعة والنشر.

القندوزی الحنفی، سلیمان (بی تا)، ینابیع المودة؛ چاپ هشتم، قم: مکتبه بصیرتی.

الموسوی الهندی، السیدرضا (۱۹۸۸م)، دیوان؛ گردآوری: سیدموسی موسوی، بیروت: دارالاضواء.

الناصری، محمد علی (۱۳۷۰)، دیوان غدیریات الناصری، قم: انتشارات الشریف الرضی.

الهاشمی، محمد جمال (بی تا)، دیوان مع النبی و آله، قم: مکتبه بصیرتی.

Raz, joseph, (1990) "Justice and Truth" in james P. sterba; (ED.)